

## دختري كه روزي...

نفرتم را  
از تو

هي نوشتم  
هي نوشتم

درون سينه ام  
جيغ كشيدم  
انگار

بر كف اقيانوس نشسته بودم  
و از درون ريه هاييم  
خزه مي روويد

جيغ كشيدم

قل

قل

حباب

حباب

نوشتم

با انگشت

بر كف اقيانوس:-

كه دريا

از درون

هيچ آبي نبود

آبي نبود دريا

رنگ لجن داشت

از درون.

وزن هزاران هزار تن آب بود

بر سينه ي دختری

كه روزي

پري دريايي را

باور داشت.

شيرين رضويان

لندن ژوئن دوهزار و سه